

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# تاریخ کتابت قرآن و قراءات (تاریخ قرآن)

دکتر محسن رجبی قدسی

پاییز ۱۳۹۹

درسمو دانشگاه  
علوم قرآن و حدیث

رجبی قدسی، محسن، ۱۳۵۴ -  
تاریخ کتابت قرآن و قرائات (تاریخ قرآن) / محسن رجبی قدسی؛ ناظر محمدرضا ستوده‌نیا - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،  
۱۳۹۹.  
دوازده، ۲۰۴ ص... (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۸۲: قرآن پژوهی؛ ۵۸)  
بها: ۲۷۰۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه. ص. [۱۷۷] - ۱۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. قرآن -- رسم‌الخط و کتابت. ۲. Qur'an -- Orthography. ۳. قرآن -- تلاوت -- تاریخ.  
۴. Qur'an -- Reading -- History. ۵. قرآن -- جمع و گردآوری. ۶. Qur'an -- Collection. الف. پژوهشگاه  
حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
BP۷۵  
۲۹۷/۱۵۱  
شماره کتابشناسی ملی  
۷۲۹۸۵۴۶

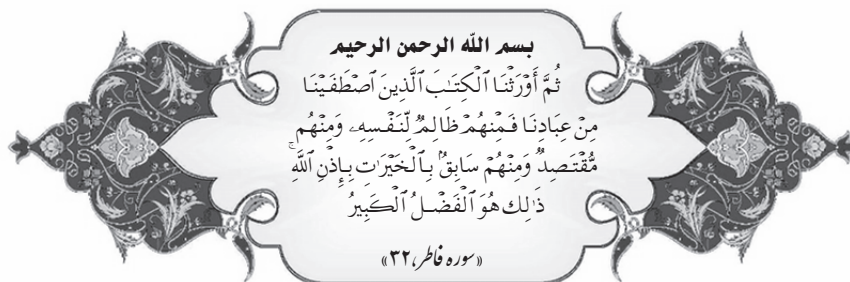


### تاریخ کتابت قرآن و قرائات (تاریخ قرآن)

مؤلف: دکتر محسن رجبی قدسی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم)  
ناظر: دکتر محمدرضا ستوده‌نیا  
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری  
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه  
چاپ دوم: پاییز ۱۳۹۹  
تعداد: ۵۰۰ نسخه  
لیتوگرافی: سعیدی  
چاپ: قم-سبحان  
قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰  
(انتشارات) ۳۲۱۱۱۳۰۰ نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵  
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۴۰۲۶۰۰  
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir  
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



## سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحوّل و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحوّل ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرّا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرایی آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه

پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۵۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به‌عنوان منبع اصلی درس تاریخ کتابت قرآن و قرائات (که پیش از این با عنوان تاریخ قرآن ارائه می‌شد) برای دانشجویان رشته‌های الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر محسن رجبی قدسی و نیز از ناظر محترم دکتر محمدرضا ستوده‌نیا سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

## فهرست مطالب

|               |   |
|---------------|---|
| پیشگفتار..... | ۱ |
| مقدمه.....    | ۳ |

### درس اول: ابلاغ و آموزش قرآن در سیره نبوی

|                                    |    |
|------------------------------------|----|
| ابلاغ قرآن در مکه.....             | ۷  |
| ابلاغ قرآن در مدینه.....           | ۱۰ |
| إقراء: تعلیم قرآن.....             | ۱۲ |
| قلب انسان، جایگاه شایسته قرآن..... | ۱۳ |
| ○ خلاصه درس.....                   | ۱۴ |
| ○ پرسش.....                        | ۱۵ |
| ○ پژوهش.....                       | ۱۵ |

### درس دوم: ترویج قرآن در عهد نبوی

|                                      |    |
|--------------------------------------|----|
| مسلمان: معلّم و مُتعلّم قرآن.....    | ۱۷ |
| مسجد، کانون نشر و ترویج قرآن.....    | ۱۸ |
| ترویج قرآن در شبه جزیره عربستان..... | ۲۳ |
| ○ خلاصه درس.....                     | ۲۳ |
| ○ پرسش.....                          | ۲۴ |
| ○ پژوهش.....                         | ۲۴ |

### درس سوم: کاتبان وحی و ابزار کتابت قرآن در عصر نزول

|                                   |    |
|-----------------------------------|----|
| ابزار کتابت قرآن در عصر نزول..... | ۲۵ |
| کاتبان وحی.....                   | ۳۲ |

- تشویق به نوشتن قرآن و خواندن از روی مصحف ..... ۳۴
- خلاصه درس ..... ۳۸
- پرسش ..... ۳۸
- پژوهش ..... ۳۸

### درس چهارم: جمع و تدوین قرآن کریم با تعلیم و نظارت پیامبر اکرم

- کیفیت نزول سوره‌ها و شیوه جمع و تدوین آنها ..... ۴۱
- الف) سوره‌های یکپارچه ..... ۴۱
- ب) سوره‌هایی که واحدهای موضوعی آنها در پی هم نازل می‌شدند بی‌آنکه آیاتی از سوره‌های دیگر در میان آنها نازل شود ..... ۴۲
- ج) سوره‌های تألیفی ..... ۴۲
- دلایل جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی ..... ۴۳
- خلاصه درس ..... ۴۹
- پرسش ..... ۴۹
- پژوهش ..... ۵۰

### درس پنجم: مصحف حضرت علی (علیه السلام)

- فرضیه یکم: بایگانی دست‌نوشته‌های اولیه قرآن ..... ۵۳
- فرضیه دوم: کتابت دوباره قرآن ..... ۵۴
- فرضیه سوم: گردآوری تنزیل و تأویل قرآن ..... ۵۵
- فرضیه چهارم: تدوین آموزه‌های قرآن شناختی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ..... ۵۷
- خلاصه درس ..... ۶۰
- پرسش ..... ۶۱
- پژوهش ..... ۶۱

### درس ششم: جمع قرآن در زمان ابوبکر

- شیوه‌های رفع تعارض خبر جمع قرآن در زمان ابوبکر با روایات جمع قرآن در عهد نبوی ..... ۶۵
- سرنوشت صحف ابوبکر ..... ۶۷
- خلاصه درس ..... ۶۸
- پرسش ..... ۶۸
- پژوهش ..... ۶۸

### درس هفتم: جمع قرآن در زمان عثمان

- تعداد مصاحف امام ..... ۷۵
- موضع صحابه در برابر اقدام عثمان ..... ۷۵



|                                       |    |
|---------------------------------------|----|
| منظور از جمع قرآن در زمان عثمان ..... | ۷۸ |
| امامیه و مصحف امام .....              | ۸۰ |
| مبارزه حجاج با قرائت‌های تفسیری ..... | ۸۲ |
| ○ خلاصه درس .....                     | ۸۴ |
| ○ پرسش .....                          | ۸۴ |
| ○ پژوهش .....                         | ۸۴ |

### درس هشتم: اختلاف قرائات

|                                  |    |
|----------------------------------|----|
| پیدایش قرائات .....              | ۸۸ |
| ۱. تعدد نزول و تعدد قرائات ..... | ۸۹ |
| ۲. نزول واحد و قرائت واحد .....  | ۹۰ |
| عوامل اختلاف قرائات .....        | ۹۰ |
| ○ خلاصه درس .....                | ۹۲ |
| ○ پرسش .....                     | ۹۲ |
| ○ پژوهش .....                    | ۹۲ |

### درس نهم: تثبیت قرائات هفت‌گانه

|   |     |
|---|-----|
| معیارهای قرائت صحیح .....                       | ۹۵  |
| ابن‌مجاهد و تألیف السبعة فی القراءات .....      | ۹۷  |
| جدول قاریان هفت‌گانه و دو راوی معروف آنان ..... | ۹۸  |
| میزان اختلاف قرائات هفت‌گانه .....              | ۹۹  |
| ○ خلاصه درس .....                               | ۹۹  |
| ○ پرسش .....                                    | ۱۰۰ |
| ○ پژوهش .....                                   | ۱۰۰ |

### درس دهم: روایت حفص از عاصم: قرائت متواتر قرآن

|  |     |
|--|-----|
| قرائت عامه .....                             | ۱۰۱ |
| قرائت عاصم به روایت حفص .....                | ۱۰۳ |
| گستره روایت حفص از عاصم در بلاد اسلامی ..... | ۱۰۶ |
| ○ خلاصه درس .....                            | ۱۱۰ |
| ○ پرسش .....                                 | ۱۱۰ |
| ○ پژوهش .....                                | ۱۱۰ |

### درس یازدهم: خط کوفی و واج‌های زبان قرآن

|               |     |
|---------------|-----|
| خط کوفی ..... | ۱۱۴ |
|---------------|-----|

- عوامل جایگزینی خط نسخ در کتابت قرآن ..... ۱۱۷
- واج‌های زبان قرآن ..... ۱۱۸
۱. صامت‌ها (همخوان‌ها) ..... ۱۱۸
۲. مصوّت‌ها (واکه‌ها / حرکات) ..... ۱۱۹
- خلاصه درس ..... ۱۲۰
- پرسش ..... ۱۲۰
- پژوهش ..... ۱۲۰

### درس دوازدهم: رسم المصحف (آیین نگارش قرآن)

- رسم المصحف ..... ۱۲۱
- نگارش همزه ..... ۱۲۴
- نگارش مصوّت‌های کشیده ..... ۱۲۵
۱. مصوّت کشیده / / ..... ۱۲۵
۲. مصوّت کشیده / ی / ..... ۱۲۵
۳. مصوّت کشیده / و / ..... ۱۲۶
- دلیل تفاوت صورت نوشتاری برخی کلمات قرآن با صورت گفتاری آنها ..... ۱۲۶
۱. کم‌سوادی کاتبان وحی، ضعف خط و ابتدائی بودن آن ..... ۱۲۶
۲. تحمّل قرائات ..... ۱۲۸
۳. حفظ سنت‌های نگارشی خط عربی متقدّم همگام با اصلاح و تغییر تدریجی آنها ..... ۱۲۸
۴. تأثیر معنا و سیاق بر شکل نگارشی کلمات قرآن ..... ۱۳۰
- خلاصه درس ..... ۱۳۳
- پرسش ..... ۱۳۴
- پژوهش ..... ۱۳۴

### درس سیزدهم: ضبط المصحف

۱. نشان دادن مصوّت‌های کوتاه با نقطه‌های گرد ..... ۱۳۶
۲. نشان دادن مصوّت‌های کوتاه، با الف، واو و یای کوچک ..... ۱۳۸
۳. نشان دادن مصوّت‌های کوتاه با ء ..... ۱۳۸
- عجرام: نقطه‌گذاری حروف همسان‌نوشت ..... ۱۴۰
- دیدگاه علما درباره ضبط المصحف ..... ۱۴۳
- خلاصه درس ..... ۱۴۴
- پرسش ..... ۱۴۴
- پژوهش ..... ۱۴۴

### درس چهاردهم: تغییر رسم الخط قرآن

۱. ممنوع بودن تغییر رسم الخط قرآن ..... ۱۴۷
۲. جواز تغییر رسم الخط قرآن ..... ۱۴۹
- بررسی استدلال‌های قائلان به جواز تغییر رسم الخط قرآن ..... ۱۵۲
۱. «امّی» ناظر به سواد یا بی‌سواد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اعراب نیست ..... ۱۵۲
۲. املا و تعلیم حرف به حرف پیامبر اکرم به کاتبان وحی ..... ۱۵۵
۳. تأکید بر کتابت «التابوت» مطابق زبان قرآن: عربی مبین ..... ۱۵۶
۴. «لحن» به معنای خطای کاتبان نیست ..... ۱۵۶
۵. غفلت از هدف آموزش قرآن در سیره نبوی، مهم‌ترین کاستی دیدگاه قائلان تغییر رسم الخط ..... ۱۶۱
- المصحف ..... ۱۶۱
- خلاصه درس ..... ۱۶۲
- پرسش ..... ۱۶۲
- پژوهش ..... ۱۶۲

### درس پانزدهم: آداب کتابت قرآن و تهیه مصحف

۱. نوشتن با رنگ سیاه بر روی صفحه سفید و پرهیز از تزیین صفحه ..... ۱۶۵
۲. تبیین کامل حروف و کلمات ..... ۱۶۶
۳. رعایت فاصله لازم میان کلمات و سطرها ..... ۱۶۶
۴. درشت‌نویسی ..... ۱۶۶
۵. تجرید قرآن از غیر قرآن ..... ۱۶۸
- پیشنهاد ..... ۱۷۰
- مصاحف چاپی مشهور جهان اسلام ..... ۱۷۱
۱. مصحف شبه قاره هند ..... ۱۷۱
۲. مصحف سلطانی (به خط حافظ عثمان) ..... ۱۷۲
۳. مصحف امیری (مصری، قاهره) ..... ۱۷۲
۴. مصحف مدینه منوره (به خط عثمان طه) ..... ۱۷۲
۵. مصحف مغربی ..... ۱۷۳
۶. مصحف مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران (کم علامت) ..... ۱۷۴
- خلاصه درس ..... ۱۷۵
- پرسش ..... ۱۷۶
- پژوهش ..... ۱۷۶
- منابع و مأخذ ..... ۱۷۷

## نمایه‌ها

|     |                |
|-----|----------------|
| ۱۹۷ | نمایه آیات     |
| ۲۰۰ | نمایه روایات   |
| ۲۰۲ | نمایه اصطلاحات |

## پیشگفتار

از زمان تأسیس گروه علوم قرآن و حدیث در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۶ و رشته «فرهنگ عربی و رابطه آن با علوم قرآنی» (۱۳۵۲ش) در دانشگاه تهران - که در سال ۱۳۶۲، به رشته علوم قرآن و حدیث تغییر نام یافت - تاکنون، درس تاریخ قرآن به ارزش دو واحد در دوره کارشناسی برای آشنایی با شیوه کتابت و جمع و تدوین قرآن و شناخت قاریان و قرائت آنان ارائه می‌شد که به دو دلیل محتوا با عنوان هماهنگ نبود؛ یکم، آنکه در ذیل آن مباحثی همچون وحی، اسباب نزول و معرفی ترجمه‌های قرآن کریم نیز مطرح می‌شدند که با دیگر درس‌های رشته همپوشانی داشتند؛ دوم، اینکه محتوای درس، چشم‌اندازی پویا و زیبا، و فراگیر و کاربردی را چنان‌که شایسته و بایسته کلام‌الله است، نمایان نمی‌کرد و آنچه در عمل تدریس می‌شد، بخش بسیار اندکی از اهداف بلند تاریخ قرآن را در یک طراح‌ی دقیق و همه‌جانبه تأمین می‌کرد؛ زیرا درس تاریخ قرآن افزون بر اینکه باید بتواند تحقیقات و مطالعات مرتبط با پدیداری و شکل‌گیری، و مانایی و جاودانگی قرآن کریم را بازخوانی و واکاوی کند، سازماندهی است که نقش و جایگاه بی‌بدیل و بی‌نظیری را که قرآن کریم در سعادت بشر و عرصه‌های گوناگون زندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی او و بنیان‌گذاری و رشد و توسعه علوم و فنون مختلف داشته و دارد، تبیین و تحلیل کند تا با تکیه بر آن، دوران‌مداری و جهان‌داری قرآن عظیم در طول بیش از چهارده قرن و تا پایان عمر جهان، مشخص باشد.

اصطلاح «تاریخ قرآن» را نخستین بار مستشرق آلمانی، تئودور نولدکه در سال ۱۸۶۰م، به‌کار برد. پس از او گرچه خاورشناسانی همچون ریچارد بل، رییس بلاشر و جان برتن درباره شکل‌گیری متن قرآن به مطالعه و تألیف روی آوردند، ولی آثار خود را تاریخ قرآن نام نهادند.

در جهان اسلام، نخستین بار موسی جارالله ترکستانی کتاب تاریخ القرآن والمصاحف را در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م، منتشر کرد. با تألیف کتاب تاریخ القرآن ابوعبدالله زنجانی در سال ۱۳۵۴ق/۱۹۳۵م، اصطلاح «تاریخ قرآن» در میان مسلمانان رواج یافت؛ چنان‌که هم‌اکنون به‌رغم آنکه عالمان و مفسران بزرگ معاصر، علامه طباطبایی و استاد محمدعزیزه دروزه، عنوان تاریخ قرآن را برای مباحث مرتبط با جمع و تدوین قرآن هرگز به‌کار نبرده‌اند. بیش از ۲۵ کتاب تاریخ قرآن به زبان عربی و بیش از پنج تاریخ قرآن به زبان فارسی در دسترس‌اند.

به دلایل یاد شده، در بازنگری درس‌های رشته علوم قرآن و حدیث در مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور، در سال ۱۳۹۵، به‌جای «تاریخ قرآن»، عنوان «تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم» پیشنهاد شد و به تصویب رسید و کتاب پیش‌رو برای دانشجویان گرامی رشته علوم قرآن و حدیث تدوین و تألیف شد. مهم‌ترین ویژگی این کتاب – مانند دیگر اثر نویسنده با نام: آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی (بوستان کتاب، ۱۳۸۹) – تحلیل مباحث کتابت و قرائات قرآن کریم براساس نظریه «آموزش زبان قرآن» در سیره نبوی است که بیش از چهار دهه از عمر مبارک آن می‌گذرد.

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي انزل الينا الكتاب مُفَصَّلًا و تَمَّتْ كَلِمَتُهُ صِدْقًا وَعَدْلًا، لا مبدل لكلماته و هو السميع العليم؛ و صَلَّى اللهُ عَلَى رَسُوْلِهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِيْنَ؛ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ الْمُطَهَّرِيْنَ وَ اصْحَابِهِ الْمُنْتَجِبِيْنَ.

«نزول قرآن» گویای سرفصلی است که خواه ناخواه نشان‌دهنده سه مرحله است: مرحله نزد خدا بودن قرآن، قبل از نزول؛ مرحله نزول و مرحله پس از نزول قرآن. بررسی آیات آغازین سوره‌های دارای حروف مُقَطَّعه – که بیشتر ناظر به بیان چگونگی نزول قرآن و اوصاف آن هستند – نشان می‌دهد که «کتاب مبین» قبل از نزول، نزد خداوند رحمان، در «امّ الكتاب»، «لوح محفوظ» یا «کتاب مکنون»، دارای اوصافی همچون «علیّ» و «حکیم» بوده است: «حَمَّ \* وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ \* اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ \* وَ اِنَّهُ فِى اُمِّ الْكِتَابِ لَدُنَّا لَعَلِيٌّ حَكِيْمٌ» (زخرف، ۱-۴). «کتاب مبین» نزد خدا، «علیّ» است؛ یعنی بلندمرتبه و الامنزلت است، به گونه‌ای که عقل‌ها توان درک و دریافت مستقیم آن را ندارند؛ و «حکیم» است یعنی محکم و یکپارچه و حقیقتی به هم پیوسته است و به کلمات و عبارات قابل فهم برای انسان‌ها تفصیل نیافته است. به دیگر سخن، قرآن پیش از نزول در حالت امّ‌الکتابی‌اش که وصف «لَعَلِيٌّ حَكِيْمٌ» را دارد، شبیه الفاظ و عبارات (بشری) نیست که امکان قرائت و تلاوت داشته باشد. بنابراین، خداوند حکیم، «کتاب مبین» را در مرحله نزول، به الفاظ و عباراتی روشن و واضح (عَرَبِيًّا) تبدیل کرد (جَعَلْنَاهُ) و آن را «خواندنی» و «خوانا» گردانید (قُرْآنًا) تا امکان قرائت، تلاوت، تعقل و تعلّم داشته باشد «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ» (یوسف، ۲). در غیر این صورت، دریافت و درک کتاب مبین، فقط مختص رسول خدا ﷺ می‌شد؛ چراکه وحی و تعلیم

آن، به ایشان اختصاص داشت. در میان عالمیان، از ازل تا ابد، فقط قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظرفیت و توانایی پذیرش یکباره کتاب مبین و قرآن عربی مبین را به صورت کامل و یکپارچه داشت. در روایات، این مسئله با تعبیرهای گوناگونی بیان شده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلَا وَاتِي أَوْتِيَتُ الْكِتَابِ (الْقُرْآنِ) وَ مِثْلَهُ مَعَهُ».<sup>۱</sup> از امام علی علیه السلام نیز روایت شده است: «هُوَ [الْقُرْآنُ] كَلَامُ اللَّهِ وَ تَأْوِيلُهُ لَا يُشْبِهُهُ كَلَامُ الْبَشَرِ».<sup>۲</sup>

تفصیل «کتاب مبین» به «قرآن عربی مبین» در شب قدر و در مرحله نزول انجام گرفت؛ در شبی مبارک که اجزای هر امر حکیم و سر بسته ای در آن شب از یکدیگر متمایز و جدا می گردند: «حَمٌّ \* وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ ... فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان، ۳-۴). در آیه نخست سوره هود نیز می خوانیم: «الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»، لفظ «ثُمَّ» مانند «جَعَلْنَاهُ» در آیه ۳ سوره زخرف به مرحله تفصیل آیات و سوره های کتاب مبین به آیات و سوره های قرآن عربی مبین اشاره دارد. پس آیات و سوره های «قرآن عربی مبین»، متناظر و مشابه آیات و سوره های «کتاب مبین» در «أم الكتاب» هستند و این دو، تنها در وصف تفاوت دارند: آنجا دارای وصف «حکیم و احکام» اند و اینجا دارای وصف «تفصیل»، و این تغییر وضعیت را خداوند حکیم خبیر، با علم و آگاهی انجام داد: «فَصَلَّنَاهُ عَلَى عِلْمٍ» (اعراف، ۵۲) تا این قرآن مفصل، با إقراء و قرائت تدریجی و پیوسته، در قلب انسان ها قرار گیرد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «خداوند، کل قرآن را در ماه رمضان به پیامبر اکرم عطا کرد، ولی آن حضرت بدون اذن الهی، قرآن را ابلاغ نمی کرد. با هبوط جبرئیل و ابلاغ وحی الهی، ایشان آن مقدار از آیاتی را که مأمور به تبلیغ آن می شد، به مردم ابلاغ می کرد که همگام و هم زمان با رویدادها و مناسبت هایی بوده که شایستگی خطاب و ابلاغ را داشته اند؛ چنان که آیه «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» ناظر به همین مسئله است».<sup>۳</sup>

بنابراین، همه گزارش ها و روایاتی که بر پایه آنها نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام دریافت وحی الهی دچار تب و لرز می شد و احساس سنگینی می کرد و گاهی از خود بی خود می شد، یا از ترس فراموشی، آنها را تندتند تکرار می کرد و خداوند با آیه «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» (قیامت، ۱۶) ایشان را از این عمل نهی می فرمود، همه مردود و نادرست اند؛ زیرا در

۲. صدوق، التوحید، ص ۲۶۴.

۱. ابوداود، سنن، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۴۶۰۴.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۸.



نزول دفعی که خداوند بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای (حتی جبرئیل) قرآن را بر رسول مکرّمش اِقرأ و تعلیم و تنزیل فرمود: «وَإِنكَ لَتَلَقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ» (نمل، ۶)، آن حضرت در کمال آگاهی و بدون هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی، قرآن مبین را دریافت کرد: «فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَيْدِهِ مَا أَوْحَىٰ \* مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ... مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ» (نجم، ۱۰-۱۱ و ۱۷). جبرئیل امین مأمور ابلاغ وحی الهی در نزول تدریجی است و رسول خدا هنگام دریافت اذن تبلیغ آیات و سوره‌های قرآن به گوشه‌ای از آسمان چشم می‌دوختند: «قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ» (بقره، ۱۴۴).

پیامبر اکرم ﷺ همگام با تنزیل و ابلاغ تدریجی آیات قرآن، نظام احسن آموزش آن را همراه با تبیین اصول و اسلوب آموزش و عینیت بخشیدن به روش‌ها و شیوه‌های عملی آن، پی‌ریزی، تثبیت و ترویج کرد تا قرائت و کتابت قرآن کریم هم‌زمان و موازی با هم، بنیان‌گذاری شود و همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و با همه تنوع و گوناگونی زبان‌ها، لهجه‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها، به آسان‌ترین و روان‌ترین شیوه بتوانند قرآن را بیاموزند و آن را فراگیرند.

ترغیب به قرآن به جای تحمیل آن، قرائت ساده و آسان، اصلاح غیرمستقیم اشتباه‌های قرآن‌آموز، تکرار و استمرار اِقرأ و قرائت در حضور مسلمانان، تعلیم و تعلّم هم‌زمان، سازماندهی و تقسیم قرآن به آیه، سوره، واحدهای موضوعی (رکوعات) و حزب، آسان‌سازی آموزش، تکرار و مداومت (به‌کارگیری آموخته‌ها) در نماز، آموزش به دیگران و مدارس قرآن، عرضه قرائت، تشویق به کتابت قرآن و خواندن از روی مصحف و عرضه مصحف برای رفع کاستی‌ها و افزوده‌های احتمالی از عوامل مهم ترویج و تثبیت قرائت قرآن در سیره نبوی‌اند.

رسول خدا ﷺ هم‌زمان و موازی با ابلاغ، آموزش و ترویج تدریجی قرآن کریم، نسبت به کتابت و تثبیت متن قرآن اهتمام فراوانی داشتند؛ به‌گونه‌ای که برگه‌های مکتوب قرآن، در اختیار مسلمانان نیز قرار می‌گرفت تا پس از یادگیری شفاهی قرآن، امکان بازنویسی آن فراهم باشد. پیامبر اکرم مسلمانان را تشویق و ترغیب می‌کردند تا پس از فراگیری کلام خدا، تلاوت و قرائت خویش را با نگاه به متن مکتوب قرآن (مصحف) ادامه دهند و بر آن مداومت داشته باشند. مسلمانان برای جلوگیری از هرگونه خطا و پریشانی در متن مکتوب قرآن، «قرائت» و «مصحف» خویش را بر معلّمان و مُقریان قرآن یا مصاحف آنان عرضه می‌کردند. بدین‌سان، قرائت و کتابت قرآن، پشتیبان و حافظ یکدیگر و موجب حفظ اصالت قرآن شدند.

پس از چاپ نخست این کتاب و دریافت پیشنهادهای و نقدهای سازنده خوانندگان گرامی، درس پنجم و ششم آن با موضوع «نزول قرآن بر هفت حرف» و «فراگیری زبان قرآن» به طور کامل از متن چاپ دوم حذف شد. همچنین درس شانزدهم با درس پانزدهم ادغام گردید. در پایان از استاد فرزانه جناب آقای دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، استاد فرهیخته جناب آقای دکتر محمدرضا ستوده‌نیا و همسر مهربان و فرزندان عزیزم صمیمانه سپاسگزارم و این اثر را به مادرم تقدیم می‌کنم که با تلاوت‌های آسان و دلنوازش، به‌ویژه در سحرگاهان و شامگاهان، جان و قلبم را به «صدای سخن» دوست «که در این گنبد دوار» طنین‌انداز و ماندگار است، پیوند می‌داد و آرامش می‌بخشید. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا؛ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

محسن رجبی قدسی

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد مقدس

نهم فروردین ۱۳۹۹ش / سوم شعبان ۱۴۴۱ق

rajabi@quran.ac.ir

## درس اول

### ابلاغ و آموزش قرآن در سیره نبوی

#### اهداف آموزشی

- آشنایی با راهکارهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای رساندن کلام خدا به مردم در مکه و مدینه؛
- شناخت روش رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تعلیم قرآن (اقرار) و تثبیت قرآن در قلب مسلمانان.

#### ابلاغ قرآن در مکه

با آغاز نزول و ابلاغ تدریجی آیات قرآن از جانب خداوند حکیم بر رسول اکرم، ایشان موظف شدند آیات نازل شده را به مردم ابلاغ کنند؛ یعنی آیات قرآن را بر مردم قرائت و تلاوت کنند تا قرآن به گوش مردم برسد:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» (جمعه، ۲)؛

«وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكُتِّبٍ وَنَزَّلْنَاهُ نَزْلِيلًا» (اسراء، ۱۰۶).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ابلاغ نخستین آیات،<sup>۱</sup> روی صخره بلندی بر دامنه کوه صفا و مشرف بر محل اجتماع مردم مکه رفتند و با ندای «یا صباحاه! یا صباحاه!» که دلالت بر وقوع حادثه‌ای مهم و بزرگ داشت، مردم را فراخواندند<sup>۲</sup> و با اعلان نبوت و رسالت الهی خویش، آن آیات را بر مردم تلاوت و قرائت فرمودند و از آن پس تا زمانی که مشرکان مانع نشدند، غالباً بر فراز آن مکان رفته، می‌ایستادند و آیات را بر مردم قرائت می‌کردند.

۱. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ج ۴، ص ۹۱۵ و ۱۵۹؛ واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ص ۱۶.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۲۹، ح ۲۵۴۴.

بدین سان، زمینه شناخت قرآن و آشنایی مردم با آن فراهم آمد و اندک‌اندک افرادی که با شنیدن آیات قرآن، هم شیفته اسلوب ویژه و نظم آهنگ بی‌نظیر و بیان شیوا و دلربای آن شده بودند و هم فرهنگ آزادی‌بخش آن را مایه هدایت و رحمت و شفای دردهای خود یافته بودند، اسلام آوردند؛ و روز به روز ایمان آنان به قرآن به‌عنوان «کلام‌الله» که بر هر کلامی فضیلت و برتری دارد، افزوده می‌شد.

مشرکان و بدخواهان قریش که از آغاز بنای مخالفت و ناسازگاری با پیامبر اکرم و قرآن را گذاشته بودند و ترویج قرآن را به ضرر و زیان خود می‌پنداشتند، بر مخالفت‌ها و ایجاد موانع مختلف بر سر راه اِقرآء و قرائت قرآن افزودند، ولی رسول خدا از فرصت‌های مناسب برای ابلاغ قرآن بهره می‌برد. به‌رغم این شرایط، در طول سیزده سال اقامت پیامبر اکرم در مکه، بیش از نیمی از سوره‌های قرآن به‌تدریج نازل و ابلاغ شدند. این سوره‌ها بعدها به «حزب مُفَصَّل» (سوره ۶۵، از سوره قاف تا سوره ناس) معروف شدند؛ ابن مسعود گفته است: «نَزَلَ الْمُفَصَّلُ بِمَكَّةَ فَمَكَّنَا حِجْبًا نَقْرُوهُ لَا يَنْزِلُ غَيْرُهُ»؛<sup>۱</sup> [حزب] مفصل در مکه نازل شد و ما آن را سال‌ها می‌خواندیم؛ بی‌آنکه [سوره‌های] دیگر قرآن [در آن مدت] نازل شوند.

جامعه آن روز مکه مانند دیگر جوامع، اسیر طاغوت‌هایی همچون ابولهب‌ها و ابوجهل‌هایی شده بود که با سوء استفاده از جهل و خرافه‌گرایی و تفرقه و اختلاف مردم، خود را عملاً مالک و ارباب مردم می‌پنداشتند و بند بندگی و بردگی را بر گردن آنان آویخته بودند و با حاکم ساختن یک نظام سلطه فرهنگی و اقتصادی بر جامعه آن روز، مردم را به خفت و مذلّت کشانده بودند.

ابلاغ و قرائت نخستین سوره‌های قصار (کوتاه) قرآن؛ مانند سوره ناس، فلق، اخلاص و مسد، به‌مثابه شعار و سرود آزادی و رهایی مردم از چنگال این نظام سلطه بود و آنان را به سوی «مالک»، «رب»، «اله»، «صمد» و پناهگاه و پناه‌دهنده اصلی و حقیقی همه انسان‌ها؛ یعنی «الله‌أحد» و «الله‌الصمد» هدایت می‌کرد؛ خداوندی که احدی همتایی برای او نمی‌زاید و چنین همتایی زاده نشده است و هیچ‌گاه همتایی برای او نبوده است و نخواهد بود.<sup>۲</sup> به سخن دیگر، سوره‌های آغازین (حزب مفصل) پایه‌گذار یک انقلاب و تحوّل بزرگ زبانی فکری فرهنگی و در

۱. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۵۸، ح ۶۳۴۴.

۲. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، مطالعات قرآنی در سیره نبوی، ص ۸۹.



عین حال، الهی و تدریجی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بودند که بر مبنای «قل» (بگو) و ترویج و تثبیت آن بر گوش و قلب و زبان مردم بنا شده بود.

گویا ابن مسعود، پس از رسول خدا نخستین مسلمانانی بود که بر فراز کوه صفا رفت و قرآن را با صدایی رسا و روان، در منظر همگان قرائت و اسماع کرد و مشرکان قریش سخت برآشفتمند و با ضرب و شتم، او را از ادامه قرائت قرآن بازداشتند.<sup>۱</sup>

سران قریش که از مشاهده تأثیر روزافزون قرآن بر مردم سخت ناراحت و پریشان شده بودند و منافع و مطامع نامشروع خود را در خطر سقوط می‌دیدند، با اضطراب و سرآسیمگی، با ترفندهایی همچون: تطمیع، تهدید، شکنجه، محاصره و سرانجام تبعید و اخراج، به گمان باطل خویش، می‌کوشیدند تا از گسترش و ترویج قرآن در میان مردم، به‌ویژه در خارج از مکه جلوگیری کنند. آنان از یک سو، مراقب بودند که پیش از دیگران اخبار رسالت پیامبر اکرم را با شنیدن آیات تازه‌نازل شده از زبان آن‌حضرت بشنوند. از این رو، از همه طرف به سمت ایشان هجوم می‌بردند: «فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَيْلًا مِّمَّا يَنْزِلُ الْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (معارج، ۳۶-۳۷)؛ و از سوی دیگر، از نفوذ قرآن بر خود و مردم هراس داشتند و یکدیگر را سفارش می‌کردند نه تنها به قرآن گوش نسپارند، بلکه هنگام قرائت قرآن با ایجاد غوغا و همه‌مه نگذارند نوای روح‌بخش قرآن به گوش مردم برسد: <sup>۲</sup> «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت، ۲۶). با رفتار و تدبیرهای حکیمانه پیامبر اکرم نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان خنثی شدند؛ که یکی از آن تدبیرها، ابلاغ قرآن در قالب نماز بود.

طَفِيلُ بْنُ عَمْرٍو دَوْسِي (د۱۱ق) شاعری از اشراف قبیله دَوْس وارد مکه شد. مشرکان قریش از او و دیگر تازه‌واردان خواستند به سخنان محمد گوش ندهد. او می‌گوید: «سپیده‌دم وارد مسجدالحرام شدم؛ در حالی که رسول خدا کنار کعبه به نماز ایستاده بود. نزدیک شدم و از ترس اینکه مبدا چیزی از کلام او را بشنوم، در گوش‌هایم پنبه گذاشته بودم، ولی با این حال، خدا خواست قسمتی از کلام او را بشنوم؛ آن را کلامی نغز و دل‌پسند یافتم. با خود گفتم: من فردی ادیب و سخن‌شناس هستم؛ چه مانعی دارد کلام این مرد را کامل بشنوم! اگر درست و زیبا بود، قبول می‌کنم و اگر زشت و ناروا بود، نمی‌پذیرم؛ لحظاتی صبر کردم تا محمد به سمت منزلش

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. همان، ص ۳۴۰.

روان شد. خود را به او رساندم و خواستم امرش را بر من نیز عرضه بدارد. امرش را با سلام و تلاوت قرآن (سوره‌های «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»)<sup>۱</sup> آغاز کرد. به خدا سوگند! تا آن زمان، هرگز سخن و کلامی را زیباتر و امری را استوارتر و عادل‌تر از قرآن نشنیده و نیافته بودم؛ پس اسلام آوردم و شهادت و گواهی به حقانیت آن دادم. پس از آن، همواره اسلام را در میان قبیله‌ام تبلیغ کردم و به تدریج، افراد بسیاری از قبیله‌ام مسلمان شدند.<sup>۲</sup>

بنا به گزارش ابن عباس (۶۸دق): «هنگامی که رسول خدا آیات قرآن را با صدایی رسا در نماز قرائت می‌کرد، مشرکان قریش مردم را از نزد رسول خدا دور می‌کردند و آنان را از شنیدن قرآن باز می‌داشتند. اگر کسی خواهان استماع قرآن بود، باید دور از چشم مشرکان، طوری که شناخته نشود، به استماع قرآن پردازد، وگرنه با آزار و اذیت آنان مواجه می‌شد. از این‌رو خداوند متعال به رسول اکرم ابلاغ فرمود: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» [اسراء، ۱۱۰]. «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ»؛ یعنی هنگام قرائت قرآن، صدایت را نه آن قدر بالا ببر که باعث جلب توجه مشرکان به آن شود و مردم را پراکنده کنند، و «لَا تُخَافِتُ بِهَا» و نه آن قدر صدایت را پایین بیاور (مخفی کن) که گوش فرا دادن به آن برای مسلمانان و مشتاقان سخت و ناممکن باشد: «وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»، بلکه با صدایی معمولی که میان این دو حالت است، قرآن را قرائت کن.<sup>۳</sup>

### ابلاغ قرآن در مدینه

در مدینه برای آشنایی و معارفه مردم با قرآن وضعیت بسیار متفاوت از مکه بود. دوازده تن از مردم شهر یثرب - شهری که با ورود پیامبر به «مدینه النبی» تغییر نام داد - در سال دوازدهم بعثت در عقبه منا با پیامبر اکرم دیدار کردند و بر عمل به آموزه‌های مهم قرآن با آن حضرت هم‌پیمان شدند (بیعت عقبه اولی). رسول خدا، مُصَعَّب بن عُمَیر (د۳ق) را همراه آنان به یثرب فرستاد و او سوره‌های مکی را به ایشان آموزش داد و در مدینه نماز جماعت برگزار کرد و به مُقَرِّی مدینه مشهور شد.<sup>۴</sup>

براء ابن عازب گوید: «مُصَعَّب بن عُمَیر و عبدالله بن اُمّ مکتوم، نخستین معلمان قرآنی بودند که وارد مدینه شدند و قرآن را به مردم می‌آموختند و من پیش از ورود پیامبر اکرم به مدینه،

۱. حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۴-۳۶.

۳. ابن اسحاق، سیره، ص ۲۰۶.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۷۹-۸۲.

سورة اعلیٰ و برخی دیگر از سوره‌های حزب مفصل را فرا گرفته بودم و قرائت می‌کردم.<sup>۱</sup> بنا بر گزارش جابر بن عبدالله انصاری: «هر فردی که در یشرب ایمان خود را اعلام می‌کرد، قرآن را نیز فرا می‌گرفت و با مسلمان شدن او، خانواده‌اش نیز مسلمان می‌شدند، به طوری که خانه‌ای در یشرب باقی نمانده بود که اسلام خود را اظهار و آشکار نکرده باشد».<sup>۲</sup> از این رو، رسول خدا فرمودند: «فَإِنَّ الْمَدِينَةَ فُتِحَتْ بِالْقُرْآنِ»؛<sup>۳</sup> مدینه با [تعلیم و تعلّم] قرآن [و ترویج همگانی آن در میان مردم] فتح شد.

بدین سان با ورود پیامبر اکرم به مدینه، ابلاغ و قرائت آیات، دور از هرگونه مشکل و محدودیتی انجام می‌پذیرفت و آیات و سوره‌های قرآن، دهان به دهان و سینه به سینه در میان مردم رواج می‌یافتند. مجاهد بن جبر شاگرد ابن عباس (۶۸۵ق) گوید: هرگاه قرآن بر رسول خدا نازل می‌شد، آن را ابتدا بر مردان و سپس بر زنان می‌خواندند.<sup>۴</sup> مسجدالتبی کانون آموزش و ترویج قرآن بود. عایشه همسر پیامبر می‌گوید: همین که آیات ربا [۲۷۵ تا ۲۷۹] از قسمت‌های پایانی سوره بقره نازل شدند، رسول خدا به مسجد رفت و ضمن تلاوت آنها بر مردم، خرید و فروش شراب (نوشیدنی‌های مست‌کننده و سُکرآور) را حرام و ممنوع کرد.<sup>۵</sup>

پیامبر اکرم از هر فرصتی برای ابلاغ و آموزش و ترویج قرآن بهره می‌بردند. به روایت جابر بن عبدالله انصاری: «رسول خدا پس از طواف کعبه و قرائت آیه «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» [بقره، ۱۲۵] نزد مقام [ابراهیم] دو رکعت نماز خواند».<sup>۶</sup>

با گسترش اسلام در خارج از مدینه، پیامبر اکرم معلّمان و مقریان قرآن را برای ابلاغ و قرائت آیات و سوره‌های جدید به سوی مسلمانان می‌فرستاد؛ چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) را در سال نهم هجری به مکه فرستاد تا در موسم حجّ، آغازین آیات سوره برائت (توبه) را بر مردم قرائت کند.<sup>۷</sup>

۱. طیالسی، مسند، ج ۲، ص ۸۰، ح ۷۳۹.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۱.

۵. دارمی، سنن، ص ۶۱۶، ح ۲۷۶۸ و ۲۷۶۹.

۷. واقدی، مغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۷.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۲۲، ص ۳۴۷، ح ۱۴۴۵۶.

۴. ابن اسحاق، سیره، ص ۱۴۷.

۶. ابن ابی داوود، المصاحف، ص ۱۰۸.

## إقراء: تعلیم قرآن

خداوندِ رحمان، نخستین معلم قرآن: «الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ»، در مقام بیان روش آموزش قرآن به رسول اکرم می فرماید: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی، ۶)؛ دو جمله تشکیل دهنده این آیه با «فاء» به هم متصل اند و آنچه پس از «فاء» آمده، حاصل و نتیجه جمله پیشین است؛ یعنی ما آیات قرآن را بر تو إقراء می کنیم و تو نیز چنان فرا می گیری که هیچ گاه فراموشت نشود.

در تبیین معنای إقراء و بیان شیوه آن، در آیه هجدهم سوره قیامت آمده است: «فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قُرْآنَهُ»؛ هرگاه آیات قرآن را قرائت کردیم، تو قرائت ما را بازگو کن. «نُقْرِئُكَ» در آیه «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» به «نُعَلِّمُكَ» تفسیر شده است؛<sup>۱</sup> یعنی تعلیم قرآن، مساوی با اقرء آیات است و اقرء آیات، با تعلیم قرآن برابر است.

پیامبر اکرم در مقام آموزش قرآن از همین روش الهی (اقرء) پیروی کرد و آیات را بر قرآن آموزان اقرء می فرمود. امام علی (علیه السلام) نخستین مرد مسلمان و از حاملان قرآن، می فرماید: «فَمَا نَزَلَتْ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا ... فَمَا نَسِيْتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> هر آیه ای از قرآن که بر رسول خدا نازل می شد، آن را بر من اقرء و قرائت می کرد [و من قرآن را به گونه ای فرا می گرفتم] که هیچ آیه ای از کتاب خدا را فراموش نکردم. ابن مسعود می گوید: معاذ بن جبل به رسول خدا گفت: «أَقْرِئْنِي»؛ آیاتی از قرآن را به من تعلیم بدهید. پیامبر به من فرمود: «أَقْرِئْهُ»؛ او را إقراء کن. «فَأَقْرَأْتُهُ مَا كَانَ مَعِيَ»؛ من آنچه را از بر بودم بر او إقراء کردم. سپس نزد رسول خدا رفتیم و معاذ آنچه را فرا گرفته بود، بر پیامبر خواند.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم می فرماید: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»؛<sup>۴</sup> بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد. آن حضرت در بیان روش آموزش قرآن نیز فرموده اند: «خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَأَقْرَأَهُ»؛<sup>۵</sup> بهترین شما کسی است که قرآن را می خواند و [به دیگران] اقرء می کند.

بنابراین مُقْرِئ یا معلّم قرآن، کسی است که قرآن را به روش اقرء آموزش می دهد. مُسْتَقْرِئ یا متعلّم قرآن نیز کسی است که خواهان فراگیری قرآن است و برای یادگیری قرآن به سوی مقْرِئ می رود و از او طلب اقرء و قرائت می کند. «إقراء» با اِسماع (رسانیدن صدا به گوش دیگری/ شنواییدن)،

۱. فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۴.

۳. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۶، ص ۱۳۱، ح ۳۰۰۶۲.

۴. طرابلسی، مسند، ج ۱، ص ۷۳، ح ۷۳.

۵. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۳۰۶۲.



استماع (گوش فرادادن) و اتباع (بازگو کردن) انجام می‌گیرد و اجرای آن در آموزش قرآن به معنای اجرای روش سمعی-شفاهی است.<sup>۱</sup>

در اِقرأ، معلّم، با تأتی و بدون عجله و شتاب، آیات را کلمه به کلمه و با صدایی رسا بر متعلّم، قرائت و اسماع می‌کند و متعلّم پس از انصات (سکوت همراه با توجه) و استماع هر فراز قرآنی، آن را بازگو می‌کند و این جریان آیات از زبان معلّم (مُقری) به سوی گوش متعلّم (مُستقری) و جریان دوباره همان آیات بر زبان متعلّم و بازگشت آنها به سوی گوش معلّم تا آنجا ادامه می‌یابد که آیات مورد نظر از قلب و زبان معلّم به قلب و زبان متعلّم منتقل شود و متعلّم نیز عیناً همانند معلّم، حامل همان آیات کریمه شود.

بنابراین، ساختار اصلی نظام آموزشی-ترویجی قرآن را شنیدن و بازگو کردن پس از شنیدن تشکیل می‌دهد که مطابق فطرت همه انسان‌هاست و طبیعی‌ترین، آسان‌ترین و در دسترس‌ترین و رایج‌ترین روش انتقال و آموزش هر زبانی از جمله «زبان قرآن» به‌عنوان پدیده‌ای شفاهی است. این روش در همه مکان‌ها و زمان‌ها و برای همه انسان‌ها اجراشدنی است و هر انسانی که گوش و زبان داشته باشد، می‌تواند قرآن را به‌آسانی فراگیرد و به دیگران نیز آموزش دهد. چنین بود که در آن عهد از رسالت پیامبر اکرم، آموزش و یادگیری قرآن میان مسلمانان (با همه اختلاف‌هایی که در لهجه، زبان، سن و سواد داشتند)، رواج و گسترش عمومی یافت.

### قلب انسان، جایگاه شایسته قرآن

جایگاه و مقصد اصلی نزول و آموزش قرآن، قلب انسان است: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ \* بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء، ۱۹۲-۱۹۵). در بسیاری از آیات قرآن کریم، «سمع» و «قلب» در کنار هم آمده‌اند.<sup>۲</sup> در احادیث نبوی نیز بر جایگاه قلب در آموزش قرآن بسیار تأکید شده است؛ از جمله می‌فرمایند:

— لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ قَلْبًا أَسْكَنَهُ الْقُرْآنَ؛<sup>۳</sup> خداوند قلبی که قرآن را در خود سکنا داده و قرآن آن قلب

۱. ترتیب یادگیری مهارت‌های زبان در این روش چنین است: شنیدن، صحبت کردن (گفتن)، خواندن (از روی متن مکتوب) و نوشتن. بنابراین، تدریس شفاهی زبان بر آموزش صورت نوشتاری (روخوانی) آن مقدم است.

۲. برای نمونه ر.ک، سوره‌های: اعراف، ۱۰۰؛ لقمان، ۷۵؛ فصلت، ۳-۵.

۳. طبرسی، مجمع‌البیان، مقدمه الفن السادس.

را آرامش بخشیده است، عذاب نمی‌کند؛ یعنی با درآمدن قرآن به قلب، زمینه عمل و تزکیه فراهم خواهد شد و مسیر زندگی انسان در راه خدا و قرآن قرار خواهد گرفت؛

– اِقْرُوا الْقُرْآنَ مَا اِتَّخَفْتُمْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ فَاِذَا اَخْتَلَفْتُمْ فَقَوْمُوا عَنْهُ؛<sup>۱</sup> بر قرائت قرآن تا آنجا مداومت داشته باشید که قرآن همنشین، همراز و مأنوس قلوبتان باشد؛ هرگاه این تمایل و زمینه نبود، برخیزید؛<sup>۲</sup>

– اِقْرُوا الْقُرْآنَ وَاسْتَظْهِرُوهُ فَاِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى لَا يَعْذِبُ قَلْبًا وَعَنِ الْقُرْآنِ؛<sup>۳</sup> قرآن را بخوانید و به حافظه [قلب] خود بسپارید؛ زیرا خداوند متعال قلبی که قرآن را [با آگاهی] به درون خود راه داده و آن را حفظ و فهم کرده است، عذاب نمی‌کند؛

– اَغْنٰى النَّاسِ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ، مَنْ جَعَلَ [ه] اللّٰهُ فِى جَوْفِهِ؛<sup>۴</sup> بی‌نیازترین افراد، حاملان قرآن‌اند؛ کسی که خداوند قرآن را در درون او قرار داده است؛

– اِنَّ الرَّجُلَ الَّذِى لَيْسَ فِى جَوْفِهِ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ؛<sup>۵</sup> فردی که [امکان آشنایی و فراگیری آیاتی از قرآن برای او فراهم بوده است، ولی] چیزی از قرآن را فرا نگرفته و در درون خود (قلب) جای نداده باشد، مانند ویرانه است.

### ○ خلاصه درس

پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از دریافت کامل قرآن در شب قدر، با برنامه‌ریزی و راه‌اندازی یک نظام تعلیم و تعلم عمومی و فراگیر و ایجاد محیط آموزشی پویا و زایا، قرائت و کتابت کلام الله را هم‌زمان و موازی با هم در طول دوره ۲۳ ساله نزول تدریجی، بنیان نهادند. آن حضرت برای ابلاغ و آموزش قرآن از راهبردهای ذیل بهره‌جسته‌اند: ۱. ترغیب مردم به قرآن، نه تحمیل آن؛ ۲. قرائت و اِقْرَأْ قرآن به شیوه‌ای روشن، آسان و روان، یعنی «ترتیل» قرآن؛ ۳. تکیه بر شیوه شنیداری-گفتاری در امر آموزش قرآن (اِقْرَأْ)، به طوری که همه مردم به سهولت می‌توانستند قرآن را فرا بگیرند و آن را در قلب و ذهن خود تثبیت کنند.

۱. ابن وهب، الجامع، ج ۳، ص ۱۹، ح ۲۳؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۳۱، ص ۱۱۲، ح ۱۸۸۱۶.

۲. می‌توان «فاذا اختلفتم» را به «اگر دچار اختلاف نظر شدید»، نیز معنا کرد.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۴۵، ح ۴۶۰۸.

۴. رازی، فضائل القرآن، ص ۱۲۲، ح ۸۹. ۵. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۴۱۷، ح ۱۹۴۷.

### ○ پرسش

۱. حزب مفصل شامل چند سوره است؟ نام سوره آغازین و پایانی آن چیست؟
۲. «إقراء»، «مُقری» و «مُسْتَقْری» را تعریف کنید.
۳. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ابلاغ و آموزش قرآن از چه راهبردهایی بهره جستند؟

### ○ پژوهش

۱. بر پایه منابع و تدبر در قرآن، نخستین آیاتی را که پیامبر اکرم به مردم مکه ابلاغ کردند را مشخص کنید و واکنش مردم مکه را توضیح دهید.
۲. از منظر آموزشی، ویژگی‌های سوره‌های حزب مفصل را که ابتدا نازل و تعلیم داده شدند را تحلیل کنید.
۳. با توجه به کمبود نوشت افزار در آغاز ظهور اسلام و غلبه داشتن فرهنگ شفاهی، حافظه قوی عرب تنها عامل حفظ و تثبیت قرآن دانسته شده است. با مطالعه کتاب آموزش قرآن در سیره نبوی یا کتاب آموزش قرآن به روش پیامبر، نشان دهید رسول خدا برای بنیان‌گذاری قرائت قرآن و ترویج آن نظامی پیشرو و حکیمانه در امر آموزش قرآن سامان دادند که اجرای آن، عامل اصلی تحکیم و تحفیظ قرآن در قلب و ذهن مردم بود.



## درس دوم

### ترویج قرآن در عهد نبوی

#### اهداف آموزشی

- شناخت نظام تربیت معلّم قرآن در سیره نبوی؛
- بررسی راهکارهای رسول خدا برای ترویج و گسترش قرائت قرآن در میان توده مردم.

#### مسلمان: معلّم و مُتعلّم قرآن

نظام آموزشی قرآن با بهره‌گیری از روش آموزش سمعی-شفاهی إقراء به‌گونه‌ای طراحی شد که همه مسلمانان هم‌زمان، هم معلّم قرآن بودند و هم قرآن‌آموز؛ معلّم آیات و سوره‌هایی که فرا گرفته بودند و قرآن‌آموز آیات و سوره‌هایی که هنوز نازل نشده بودند یا فرصت فراگیری آنها فراهم نیامده بود.

این نظام تعلیم و تعلّم، از روزهای نخست بعثت، بنیان‌گذاری شد. با افزایش سخت‌گیری و فشار مشرکان، مسلمانان در خانه ارقم بن ابی ارقم جمع می‌شدند و پیامبر اکرم در جمع آنان به آموزش قرآن می‌پرداخت؛<sup>۱</sup> و از همان‌جا هسته‌های آغازین تعلیم و تعلّم قرآن در مکه شکل گرفتند و هریک از آنان به آموزش قرآن به دیگر علاقه‌مندان و شیفتگان قرآن می‌پرداختند. چنان‌که خباب بن ارت در منزل سعید بن زید به او و همسرش فاطمه بنت خطّاب قرآن را آموزش می‌داد.<sup>۲</sup>

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۸۶، ۹۲ و ۱۸۱-۱۸۴.

۲. ابن اسحاق، سیره، ص ۱۸۲-۱۸۳.

## مسجد، کانون نشر و ترویج قرآن

با اقامه نماز جماعت، مسلمانان در هر شبانه‌روز، پنج نوبت در مسجد جمع می‌شدند و آیات و سوره‌های فراوانی را استماع و فرامی‌گرفتند. ام‌هشام، دختر حارثه بن نعمان، سوره «ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ» را در نماز صبح از زبان پیامبر اکرم<sup>۱</sup> یا خطبه‌های نماز جمعه ایشان فرا گرفت و حافظ آن شد.<sup>۲</sup> عموی کلاب بن عمرو نیز سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» را در نماز عصر از خباب بن ارت فراگرفت؛ زیرا او نماز ظهر و عصر را با «جهر» قرائت می‌کرد.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم ﷺ در نماز جماعت پس از قرائت سوره حمد، یک واحد موضوعی سوره تازه‌نازل شده را می‌خواندند و به رکوع می‌رفتند تا کسانی که هنوز این آیات را نشنیده‌اند، بشنوند و کسانی که از پیش شنیده‌اند با استماع دوباره یادگیری‌شان تثبیت شود. گاهی نیز بیش از یک واحد موضوعی را تلاوت می‌کردند؛ به گزارش عبدالله بن سائب، پیامبر اکرم در فتح مکه<sup>۴</sup> در نماز صبح، سوره مؤمنون را تا آیه‌ای که در آن ذکر موسی و هارون [آیه ۴۵] یا ذکر عیسی [آیه ۵۰] پایان واحد موضوعی سوم آمده است، قرائت کرد، سپس به رکوع رفت.<sup>۵</sup> به تدریج به هر یک از واحدهای موضوعی سوره‌ها، «رکوع» اطلاق شد که در مجموع، قرآن مشتمل بر ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوع) است؛ ۳۵ سوره از ناس تا عبس تک رکوعی‌اند و از سوره نازعات تا بقره، هر سوره به دو تا ۴۰ رکوع تقسیم شده است.<sup>۶</sup> امام رضا علیه السلام علت وجوب قرائت قرآن در نماز را آموزش قرآن و حفظ و تثبیت آن می‌دانند تا قرآن در میان آدمیان، مهجور و ناشناخته نباشد و تضييع و مضمحل نشود.<sup>۷</sup>

مسلمانان پس از اقامه نماز یا در فرصت‌های دیگر، به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شدند و با تشکیل حلقه‌هایی به آموزش، یادگیری و تکرار آیات و سوره‌های قرآن می‌پرداختند. به روایت انس بن مالک: صحابه پس از نماز صبح در قالب چند گروه، دایره‌وار می‌نشستند، قرآن

۱. نسائی، سنن، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۹۴۹.

۲. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۵۲۰۲.

۳. همان، ص ۳۱۸، ح ۳۶۳۹.

۴. همان، ج ۷، ص ۴۱۰، ح ۳۶۹۵۰.

۵. صنعانی، المصنّف، ج ۲، ص ۱۰۲، ح ۲۶۶۷. البته، مطابق فتوای مشهور فقهای امامیه، در رکعت اول و دوم نمازهای واجب، بعد از حمد باید یک سوره کامل از قرآن قرائت شود.

۶. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ص ۵۳-۶۱؛ همو، سوره‌شناسی، ص ۹۴. قس: سرخسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۴۶. در مصاحف قدیمی و برخی قرآن‌های چاپی محدوده هر رکوع با علامت «ع» نشان داده می‌شود، یعنی فاصله میان دو «ع»، یک رکوع یا یک واحد موضوعی است.

۷. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۰، ح ۹۲۶.